



عبدالاحمد فیض

مشروعیت حقوقی ازدواج

ازدواج عبارت از عقدی است که معاشرت دوشخص (زوج و زوجه) را به هدف تشکیل خانواده مشروعیت میبخشد. فلذا عقد ازدواج از مباحث بزرگ حقوقی که تدقیق همه جانبه آن مستلزم یک بحث وسیع بوده و از اهمیت استثنای در حیات فردی، اجتماعی و اخلاقی برخوردار است. این عقد همانند سایر عقود از شروط و ارکانی متأثر است که فقدان آن عدم مشروعیت عقد ازدواج را وارد صحنه میسازد و هیچگونه آثار قانونی بر آن مرتب نمیکرد، که درین نبشته به هدف اختصار، دورکن نهایت مهم در عقد ازدواج را مورد بررسی قرار میدهیم:

اول- رضایت (ایجاب و قبول)

دوم- اهلیت در ازدواج

اول- رضایت:

عنصر رضایت در عقد ازدواج که در قالب دو لفظ صریح یعنی ایجاب و قبول متباز میگردد، عبارت از بیان اراده صریح، آزاد و عاری از اغراه، تهدید، اجبار، حيله و خطاء طرفین عقد (ناکح و منکوحه) یا مرد وزن بمنظور زندگی مشترک در آینده است.

از منظر حقوقی (ایجاب) لفظی است که بر بنیاد آن بجانب مقابل پیشنهاد ازدواج داده میشود و قبول لفظی دومی است که در پاسخ بدان افاده میشود.

ماده (۶۶) قانون مدنی چنین مشعر است: ((عقد ازدواج با ایجاب و قبول صریح که فوریت و استمرار را افاده کند، بدون قید وقت در مجلس واحد صورت میگیرد)) همچنان ایجاب عنصر التزام است که دادن رضایت در برابر آن به منظور تحقق این رکن اساسی ازدواج حتمی و فقدان رضایت و یا عدم اراده آزاد به بطلان عقد نکاح میانجامد یا بعبارت دیگر، ایجاب و قبول بایست متکی به شروط آتی باشد:

الف- طرفین دارای درک و تمیز باشند یعنی صغیر، مجنون و یا معتوه نباشد.

ب- ایجاب و قبول در مجلس واحد صورت گیرد.

ج- متعاقبین یا زن و مرد سخنان یکدیگر را بمثابه لفظ نکاح و پیوند زناشویی استماع نموده و درک نمایند.

د- ایجاب و قبول بر پایه اصل آزادی اراده محقق گردد. مثلاً هرگاه والدین فرزندش را قطع نظر از اینکه دختر است یا پسر، تهدید نمایند که اگر از ازدواج با فلان شخص امتناع ورزد از حق میراث محروم میگردد و یا از منزل اخراج می شود و یا مورد شکنجه روحی و جسمی قرار گیرد و تحت همین شرایط به ازدواج حاضر شود، عقد نکاح از اساس خود باطل است زیرا ازدواج در فقدان اراده محقق میگردد و هکذا خطاء نیز به بطلان و فسخ نکاح منجر میشود مثلاً ازدواج یک مرد با زن مطلقه که در عدت غیر است یا بعبارت دیگر زن که از شوهر اولی طلاق گرفته و تا کنون سه ماه از آن سپری نشده است چنانچه ماده (۶۳) قانون مدنی به عدم مشروعیت آن صریحاً حکم نموده

است ، همچنان فریب شخص منجر به زوال اراده در عقد ازدواج گردیده و نکاح را غیر مشروع میسازد بگونه مثال نشان دادن مرد جوان وزیبا ویا دوشیزه جوان وزیبا به جانب مقابل که در حین عقد ویا بعد از نکاح عکس آن متبازگردد و مثالهای متعدد دیگر.

دوم - اهلیت ازدواج:

اهلیت در عقد ازدواج از بنیادی ترین عنصر مشروعیت درین عقد شمرده میشود که عدم موجودیت آن به بطلان نکاح منتهی میشود، چنانچه ماده (۷۰) قانون مدنی چنین حاکمیت: ((اهلیت ازدواج وقتی کامل میگردد که ذکور سن (۱۸) و اناث (۱۶) سالگی را تکمیل کرده باشد. اما در ماده (۷۱) استثنای در زمینه به شرح ذیل مطرح میگردد.

((هرگاه دختر سن مندرج ماده (۷۰) این قانون را تکمیل نکرده باشد ، عقد ازدواج وی تنها توسط پدر صحیح التصرف یا محکمه با صلاحیت صورت گرفته میتواند))

از نظر مقنین این استثناء در موارد خاصی ، عقد ازدواج را در خصوص زوجه ای که سن رشد ویا شانزده سالگی را تکمیل نکرده است مشروعیت میبخشد، مثلاً هرگاه زوجه قبل از عقد ازدواج حامله باشد و موارد دیگر، در غیر آن احکام ماده (۷۰) مرعی الاجراء است.

در تداوم این بحث حقوقی در خصوص ازدواج آنچه که بیش از همه از بر مینویسد و ویژه برخوردار بوده و از بزرگترین معضل حقوقی ، اجتماعی و اخلاقی در جامعه عقب مانده و سنتی ما محسوب میگردد، نکاح یا ازدواج صغار ویا صغیره است ویا قشر اناث که سن قانونی را تکمیل نکرده است. بدی است که ازدواج کودکان دختر بمتناهی بخش عظیم ازدشواریهای اجتماعی و حقوقی از سالیان متمادی به شیوه ها و کاربردهای گوناگون در جامعه سنتی افغانستان و بخصوص در مناسبات عقب مانده روستائی رایج بوده که با تأسف در دهه های اخیر بعلت تداوم بحران سیاسی ، اجتماعی و فقدان حاکمیت قانون ابعاد وسیع کسب نموده است و هیچ روزی را سراغ نخواهیم داشت که در کران - کران این وطن حقوق بشری و قانونی کودکان نازنین ، مظلوم و بی دفاع وطن بدلائل گوناگون منجمله بی سواد ، فقر و تهی دستی خانواده ها، سنتهای رایج قبیلوی، تحکم افکار متحجر، تسلط ظالمانه زورمندان و حاکمیت بالقوه غیر قانونی در محلات روستائی، فتوای متنفذین محلی و مذهبی ، کاربرد اکراه و تهدید خانوادگی و عدم حاکمیت قانون به نحوی فاجعانه و گسترده نقض نه گردد و چه بسا غم انگیز که کودکان برای ادای دین یا قروض والدین ویا بمتناهی خون بها در دعاوی حقوقی و مدنی مورد استفاده ابزاری قرار گرفته و در عقد نکاح کهن سالان بیرحم و بی عاطفه در میآیند، فلذا آیا چنین ازدواجها مشروع است و قانون چه صراحت دارد؟

پراگراف دوم ماده (۷۱) قانون مدنی درین زمینه به آگرومگرهای فوق پاسخ واضح دارد و چنین مشعر است:

((عقد نکاح صغیره کمتر از (۱۵) سال به هیچ وجه جواز ندارد)) زیرا درین حالت کودک فاقد اهلیت و تمیز بوده و عنصر رضایت بصورت قطع محقق نمیگردد لذا نکاح که تحت عوامل و فکتورهای فوق صورت میگردد باطل بوده و اناثیکه در شکل گیری چنین ازدواجهای نامشروع دست دارد در جنب مسوولیت دینی و اخلاقی ، مسوولیت جزائی نیز در قبال دارد مثلاً ماده (۲۶) قانون منع خشونت در زمینه چنین وضاحت دارد:

((هرگاه شخص زن را که سن قانونی ازدواج را تکمیل نه نموده و بدون رعایت حکم ماده (۷۱) قانون مدنی به عقد نکاح درآورد، حسب احوال به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد محکوم و نکاح در صورت مطالبه زن مطابق قانون فسخ میگردد))

هکذا هرگاه دختری را بخصوص صغیره را به بد دهد (در دعاوی حقوقی جزائی) که قبلاً بدان اشاره شد ، ماده (۲۵) قانون مذکور چنین مشعر است:

((شخصیکه زنی را بنام بد دادن به نکاح دهد ویا بگیرد مرتکب به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد)) که درین متن قانون اصطلاح به بد دادن ، اشاره ایست به پدر، برادر، کاکا ، ولی، وکیل و غیره که با سؤاستفاده از نفوذ خویش به انجام عمل مبادرت میورزد.

ماده (۲۴) قانون مذکور احکام صریحی در زمینه فروش زنان به بهانه ازدواج دارد و چنین حاکی است:

((شخصیکه زنی را به بهانه ازدواج بفروش رساند یا خریداری نموده و یا در آن وساطت نماید، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد))

اما با تأسف علی الرغم کثرت ازدواجهای اجباری و نا مشروع در کشور که حتا بخش قابل توجه آن در حوزه نفوذ دولت و حاکمیت دولتی در افغانستان صورت میگیرد اقدامات لازم در جلوگیری از نقض خشن قانون و حقوق بشری این مظلومان تاریخ صورت نگرفته و چنین بی مبالاتی نهادهای مسوول حراست از حقوق که تعقیب قضیه رامستلزم شکایت متضرردانسته و از فساد گسترده رنج میبرد ، موجب شده است که حق دسترسی متضررین بعدالت محدود گردیده ، روند فروش و ازدواج اجباری زنان و بخصوص ازدواج اطفال با گذشت هر روز گستره مزید کسب و عاملان آن بدون نگرانی از مسوولیت آینده و تعقیب قانونی به نقض حقوق بنیادی کودکان و فروش آنها در قالب ازدواج اجباری در کشور تداوم یخشد.

منابع:

قانون منع خشونت علیه زنان و قانون مدنی

www.hoqooq.eu